

یادداشت

O P I N I O N



علی لشکری

عضو هیئت مدیره جامعه کفش ایران

کفش ایرانی میان رکود و قاچاق

صنعت کفش از قدیمی ترین و پرکارترین صنایع ایران است؛ صنعتی که ریشه در زندگی روزمره مردم دارد و به دلیل کاربرمحور بودن و گستردگی زنجیره تأمین، همواره نقش پررنگی در ایجاد اشتغال و تقویت صادرات غیرنفتی ایفا کرده است.

کفش، به‌عنوان کالایی ارزش‌افزوده‌دار و اشتغال‌زا، ظرفیت آن را دارد که ایران را به یکی از قطب‌های تولید منطقه بدل کند. اما تحقق این ظرفیت وابسته به سیاست‌های درست، زیرساخت‌های مناسب و فراهم آوردن شرایط رقابتی است؛ مسائلی که در عمل نادیده گرفته شده و آینده این صنعت را در ابهام فرو برده است.

یکی از اصلی ترین موانع امروز تولید کفش، بحران انرژی و به‌ویژه قطعی برق است. هر بار که تولید متوقف می‌شود، زنجیره توزیع نیز مختل و بازار داخلی دچار آشفتگی می‌شود. این روند هم هزینه تمام‌شده را بالا می‌برد و هم راه را برای قاچاق و واردات غیررسمی هموار می‌سازد.

آمار صادرات به‌خوبی بیانگر این وضعیت است؛ سال گذشته صادرات کفش در اسفندماه به رشد ۲۰ درصدی و رقم ۱۰۲ میلیون دلار رسید، اما امسال در سه‌ماهه نخست سقوط ۴۱ درصدی را تجربه کرد و در چهارماه و پنج‌ماهه نیز به ترتیب ۲۴ و ۲۱ درصد کاهش یافت. در شرایطی که بازار داخل در رکود سنگین است، صادرات می‌توانست تنها راه تنفس برای کارگاه‌های کوچک باشد؛ اما این راه نیز به تدریج بسته شده است.

محدودیت‌های ارزی و بوروکراسی پیچیده بر شدت مشکلات افزوده است. در حالی که حدود ۹ تا ۹۰ هزار واحد تولیدی کفش در کشور فعال اند و بیش از ۹۰ درصدشان کارگاه‌های خرد هستند، سیاست‌های پولی صادرکنندگان را دلسرد کرده است. تولیدکننده مواد اولیه را به نرخ نزدیک به آزاد تهیه می‌کند، اما مجبور است ارز حاصل از صادرات را با نرخی پایین‌تر در سامانه عرضه کند. این سیاست انگیزه صادرات را از میان می‌برد و در مقابل قاچاق و واردات غیررسمی از مرزها و مناطق آزاد را تقویت می‌کند. چنین وارداتی نه تنها فضای بازار را از کالای خارجی پر کرده، بلکه مانع ورود فناوری نوین به این صنعت شده و سلبقه مصرف‌کننده را نیز تغییر داده است. در همین حال، ماهیت فصلی تولید کفش به بحران کمبود نقدینگی دامن می‌زند؛ اگر تولیدکننده نتواند محصولات خود را به‌موقع به بازار برساند، زیان آن جبران‌ناپذیر خواهد بود.

تداوم سیاست‌های ناکارآمد، بازارهای صادراتی کفش ایران را به رقابایی مانند چین و ترکیه واگذار کرده و هم‌زمان زمینه کم‌اظهاری، خروج ارز و حذف صادرکنندگان واقعی را فراهم ساخته است. این شرایط نه اشتغال را حفظ می‌کند و نه سرمایه تازه جذب می‌کند. راه برون رفت، به رسمیت شناختن صادرات صنایع ارزش‌افزوده‌دار و اشتغال‌زا مانند کفش، پوشاک و مبلمان است؛ صنایعی که می‌توانند موتور محرک اقتصاد غیرنفتی باشند. ایران توانایی تبدیل شدن به هاب تولید کفش در غرب آسیا را دارد، اما این هدف تنها با بازنگری سیاست‌های ارزی و حمایت واقعی از تولیدکنندگان محقق خواهد شد.



حمیدرضا بیاتی‌نیا

روزنامه نگار

▲ مدیریت نوین، منافع بازنشستگان را در پی دارد

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در راستای سیاست‌های کلان اقتصادی دولت، تصمیم گرفته مدیریت ۲۱ شرکت زیرمجموعه هلدینگ آتیه صبا وابسته به صندوق بازنشستگی کشوری را به بخش خصوصی واگذار کند. این سیاست که از ابتدای دولت چهارم مورد تأکید قرار گرفته و در برنامه هفتم توسعه نیز به‌صراحت پیش‌بینی شده، با هدف خروج صندوق‌های بازنشستگی از بنگاه‌داری مستقیم و تمرکز بر نقش سهامداری اتخاذ شده است. در این مدل، صندوق‌ها مالکیت سهام خود را حفظ می‌کنند، اما مدیریت روزمره شرکت‌ها به بخش خصوصی منتقل می‌شود. به این ترتیب، صندوق‌ها به جای درگیر شدن در امور عملیاتی، می‌توانند منابع و انرژی خود را صرف افزایش ارزش سرمایه‌ها و تضمین رفاه بازنشستگان کنند. سید علیرضا عظیمی‌پور، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آتیه صبا، در گفتگو با آتیه‌نو اعلام کرد که ۲۱ شرکت زیرمجموعه این هلدینگ برای واگذاری مدیریت شناسایی شده‌اند. او توضیح داد که بر اساس بند (ت) ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم، شرکت‌هایی که صندوق بازنشستگی کشوری مالک بیش از ۲۰ درصد آن‌هاست و ارزش سرمایه‌گذاری در آن‌ها کمتر از حدود ۸۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ است، باید به بخش خصوصی واگذار شوند. به گفته عظیمی‌پور، در هلدینگ آتیه صبا ۱۶ شرکت مشمول این بند هستند و مراحل ارزش‌گذاری آن‌ها توسط کارشناسان رسمی دادگستری در حال انجام است. پس از دریافت گزارش‌ها، شرکت‌ها از طریق مزایده عمومی یا بورس برای خریداران عرضه خواهند شد.

عظیمی‌پور همچنین از فرایند واگذاری سایر شرکت‌ها

بر اساس ماده ۵ قانون برنامه هفتم توسعه خبر داد. بر این اساس، بخش «مردمی‌سازی اقتصاد» شرکت‌ها باید تا پایان اجرای برنامه هفتم، مدیریت کنترلی خود را به حداقل برسانند و نقش صندوق‌ها به سهامداری غیرمدیریتی محدود شود. در هلدینگ آتیه صبا، هفت شرکت در این گروه قرار دارند و دو شرکت به دلایل حقوقی و مالی فعلاً مستثنی شده‌اند. فرایند مطالعات ارزش‌گذاری شرکت‌های مشمول ماده ۵ برنامه هفتم نیز آغاز شده و تیمی از کارشناسان خبره روی این پروژه کار می‌کنند. به گفته عظیمی‌پور، هر واگذاری همراه با پیوست رسانه‌ای خواهد بود و ذی‌نفعان، از جمله مسئولان منطقه‌ای، مدیران شرکت‌ها و طرف‌های تجاری، از روند واگذاری مطلع خواهند شد.

حرکت به سوی سهامداری حرفه‌ای

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش از این و در نشست با اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی ضمن تأکید بر سیاست اصلی وزارتخانه، گفته بود: «هدف ما حرکت به سمت سهامداری به جای سرمایه‌گذاری مستقیم است. سرمایه‌گذاری مستقیم با چالش‌های متعدد اجرایی و مدیریتی روبه‌روست و تجربه جهانی نشان می‌دهد که صندوق‌های بازنشستگی باید مدیریت روزمره بنگاه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کنند.» او ۳۰ اردیبهشت ماه در جمع خبرنگاران خاطرنشان کرد: «اصلاح ساختار بنگاه‌های ناکارآمد و سپردن مدیریت آن‌ها به بخش خصوصی، در حالی که دولت به عنوان سهامدار باقی می‌ماند، می‌تواند به بهبود رفاه ایرانیان کمک کند. باقی ماندن مدیریت شرکت‌ها در

دست دولت، اغلب موجب کاهش کارایی و زیان‌های قابل توجه به صندوق‌ها و دولت می‌شود.» از منظر قانونی نیز این سیاست پشتوانه دارد. بر اساس ماده ۵ برنامه هفتم توسعه، صندوق‌ها و نهاد‌های عمومی موظفند سهام مدیریتی و کنترلی خود را واگذار کنند تا نقش آن‌ها به سهامداری غیرمدیریتی تقلیل یابد. همچنین بند ت ماده ۲۸ قانون برنامه مقرر می‌کند شرکت‌هایی که ارزش سرمایه‌گذاری در آن‌ها کمتر از سقف تعیین شده است، مشمول واگذاری مدیریت شوند.

مزایای اقتصادی واگذاری مدیریت

این رویکرد، مزایای متعددی در سطوح مختلف اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد:

۱. چابک‌سازی و افزایش بهره‌وری:

مدیریت دولتی یا شبه‌دولتی به دلیل محدودیت‌های بوروکراتیک همواره کند و پرهزینه بوده است. انتقال مدیریت به بخش خصوصی، سرعت تصمیم‌گیری و واکنش به تحولات بازار را افزایش می‌دهد و زمینه بهبود عملکرد شرکت‌ها را فراهم می‌کند.

۲. تمرکز صندوق‌ها بر مأموریت اصلی:

صندوق‌های بازنشستگی با خروج از مدیریت روزمره می‌توانند بر حفظ و افزایش ارزش ذخایر بازنشستگان تمرکز کنند. این تغییر نقش، صندوق‌ها را به سهامداران حرفه‌ای تبدیل می‌کند که صرفاً عملکرد مالی و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها را رصد می‌کنند.

۲۱ شرکت صندوق بازنشستگی در آستانه واگذاری

انتقال مدیریت به بخش خصوصی موجب افزایش سرعت تصمیم‌گیری، جذب سرمایه و فناوری نوین، بهبود شفافیت و حاکمیت شرکتی و توسعه منطقه‌ای می‌شود و منافع بازنشستگان را تضمین می‌کند

۳. جذب سرمایه و فناوری نوین:

بخش خصوصی با انگیزه‌های سودآور و توان دسترسی به منابع مالی از بازار سرمایه، ظرفیت بیشتری برای نوسازی ناوگان، ارتقای فناوری و بهبود فرایندها دارد. این امر می‌تواند وضعیت بنگاه‌های زیان‌ده یا نیمه‌فعال را متحول کند.

۴. حفظ منافع بازنشستگان:

با باقی‌ماندن مالکیت سهام در اختیار صندوق‌ها، دارایی‌های بازنشستگان محفوظ می‌ماند و با بهبود بهره‌وری، سود بیشتری نصیب صندوق‌ها و در نتیجه بازنشستگان خواهد شد. منابع صندوق‌ها به سمت سودآوری حرکت می‌کند و ریسک‌های مدیریت مستقیم کاهش می‌یابد.

۵. افزایش شفافیت و حاکمیت شرکتی:

واگذاری مدیریت به بخش خصوصی موجب کاهش هزینه‌های پنهان و شفاف شدن فرایند تصمیم‌گیری می‌شود. بخش خصوصی موظف است استانداردهای حسابرسی، گزارش‌دهی مالی و پاسخگویی به سهامداران را رعایت کند. این شفافیت، اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کند و زمینه سوءمدیریت را محدود می‌سازد.

۶. توسعه منطقه‌ای:

شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی در استان‌های مختلف کشور فعالند و بخش قابل توجهی از اشتغال محلی را تأمین می‌کنند. خصوصی‌سازی مدیریت، با نظارت دقیق می‌تواند سرمایه‌گذاران بومی را جذب و ظرفیت‌های اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته را تقویت کند.

تجربه جهانی و کارایی اقتصادی

تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد که صندوق‌های بازنشستگی نباید درگیر مدیریت روزمره بنگاه‌ها شوند. این شیوه، علاوه بر ریسک بالا، کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد و بهره‌وری سرمایه‌ها را محدود می‌کند. واگذاری مدیریت به بخش خصوصی در حالی که مالکیت سهام در اختیار صندوق‌ها باقی می‌ماند، بهترین راهکار برای تضمین بهره‌وری بنگاه‌ها و حفاظت از سرمایه بازنشستگان است. با اجرای این سیاست، صندوق‌های بازنشستگی ضمن حفظ نقش مالکیت، می‌توانند از مزایای بهره‌وری بالاتر، شفافیت مدیریتی، جذب سرمایه و فناوری نوین، و توسعه اقتصادی منطقه‌ای بهره‌مند شوند. همچنین، این تغییر ساختاری مطابق با قوانین برنامه هفتم توسعه، زمینه‌ساز حرکت اقتصاد ایران به سمت مردمی‌سازی، خصوصی‌سازی مدیریت و افزایش کارایی بنگاه‌ها خواهد بود. در مجموع، سیاست واگذاری مدیریت شرکت‌های وابسته به صندوق بازنشستگی، نه‌یک اقدام صرفاً مدیریتی، بلکه گامی استراتژیک در جهت اصلاح ساختار بنگاه‌های اقتصادی، حفاظت از سرمایه‌های بازنشستگان و بهبود فضای کسب و کار در کشور، که انتظار می‌رود اثرات مثبت آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت ملموس باشد.

کنترل صادرات سیمان از مسیر بورس کالا

الزام عبور همه معاملات از رینگ صادراتی بورس کالا، شفافیت و کنترل بر قیمت و حجم صادرات را تضمین و از رقابت ناسالم جلوگیری می‌کند

از ایجاد نوسانات شدید در بازار داخل جلوگیری کرده و به تنظیم عرضه و تقاضای داخلی کمک می‌کند. از سوی دیگر، الزام به ارائه گواهی رسمی صادراتی، فضای فعالیت واسطه‌های غیررسمی را محدود و جایگاه صادرکنندگان واقعی را تقویت می‌کند. این موضوع موجب افزایش سود مستقیم تولیدکنندگان و کاهش نقش دلالان در زنجیره صادرات می‌شود. در مجموع، اقدام سازمان توسعه تجارت و بورس کالا گامی مؤثر در مسیر توسعه پایدار صادرات سیمان و کلینکر خاکستری محسوب می‌شود. این دستورالعمل نشان‌دهنده تمرکز بر استانداردسازی، شفافیت و حمایت از صادرکنندگان قانونی است و هم‌زمان، جریان صادرات و بازار داخلی را تحت کنترل قرار می‌دهد. با اجرای این سیاست، نه‌تنها معاملات صادراتی بهینه و شفاف می‌شوند، بلکه بازارهای داخلی و بین‌المللی ایران نیز از ثبات، اعتماد و رقابت سالم بهره‌مند خواهند شد.

داده و از نوسانات غیرمنطقی جلوگیری می‌کند، بلکه فرایند تشریفات گمرکی را نیز تسهیل و سرعت ترخیص محموله‌ها را افزایش می‌دهد. اجرای سیستم برخط گواهی صادراتی و ارسال مستقیم آن به گمرک، زمان و هزینه‌های تجاری صادرکنندگان را کاهش داده و جذابیت صادرات برای فعالان اقتصادی را بالاتر می‌برد. از منظر بازارهای بین‌المللی، شفافیت و کنترل دقیق بر صادرات باعث حفظ اعتبار و اعتماد خریداران خارجی می‌شود. کشورهایی که با صادرکنندگان ایرانی همکاری دارند می‌توانند از قیمت‌های واقعی و استانداردهای مشخص اطمینان حاصل کنند. همچنین، این سیاست رقابت سالم میان صادرکنندگان را تقویت کرده و سود قانونی آن‌ها را افزایش می‌دهد، در حالی که بازارهای بین‌المللی با ثبات بیشتری اداره می‌شوند. در کنار اثرات بر صادرات، این سیاست می‌تواند بر بازار داخلی نیز تأثیرگذار باشد. کنترل بهتر حجم صادرات

و کلینکر را ساده‌تر می‌کند، بلکه امکان نظارت دقیق بر حجم و ارزش معاملات را نیز فراهم می‌آورد. اجرای این دستورالعمل به افزایش استاندارددهای شفافیت در زنجیره ارزش صادرات کمک کرده و از بروز رقابت منفی در بازارهای بین‌المللی جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، شرکت‌ها و صادرکنندگان ملزم می‌شوند تمامی معاملات خود را با رعایت قوانین رسمی و استانداردهای بازار انجام دهند و از این طریق، بازارهای صادراتی ایران پایدارتر و قابل اعتمادتر خواهد شد.

تأثیرات اقتصادی و بازار

تأثیرات این سیاست بر ساختار تجاری و اقتصادی صادرات سیمان و کلینکر گسترده است. الزام عبور همه معاملات از رینگ صادراتی بورس کالا باعث افزایش شفافیت قیمتی و امکان رصد دقیق صادرات می‌شود. این امر نه‌تنها اختلاف قیمت‌ها را کاهش

سازمان توسعه تجارت ایران با هدف ارتقای شفافیت و جلوگیری از رقابت ناسالم در بازارهای صادراتی، دستورالعمل جدیدی برای صادرات سیمان و کلینکر (ماده جامد خاکستری رنگی که در کوره‌های سیمان تولید می‌شود) ابلاغ کرد. بر اساس این دستورالعمل، تمامی صادرات این دو کالای راهبردی تنها با ارائه گواهی معامله از رینگ صادراتی بورس کالا مجاز خواهد بود. به عبارت دیگر، همه معاملات صادراتی باید از تالار بورس کالا عبور کنند تا شفافیت و کنترل لازم بر روند صادرات برقرار شود.

بورس کالای ایران نیز در نامه‌ای به شرکت‌های کارگزاری، این الزام را اطلاع‌رسانی و اعلام کرد که گواهی معامله و تأییدیه خرید از تالار صادراتی به صورت برخط و سیستمی برای گمرک ارسال خواهد شد. هماهنگی این فرایند با دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت، نه‌تنها تشریفات گمرکی صادرات سیمان